

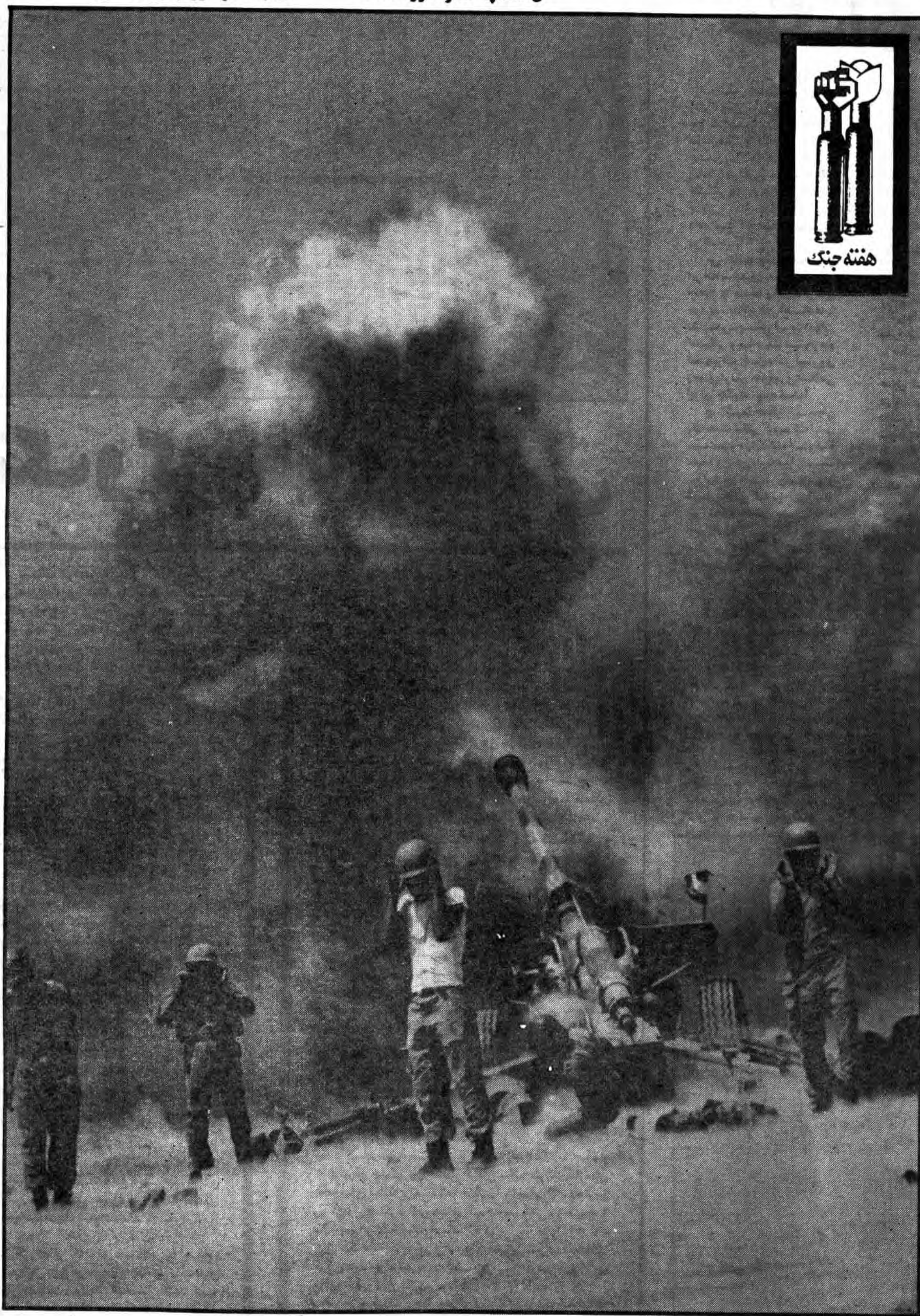


ویژه دومین سالگرد جنگ تحمیلی

دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۱
۲ ذیحجه ۱۴۰۲ - شماره ۹۵۸ سال چهارم

- جنگ انگیزه عقیدتی جنگیدن
- رادر ارتش بوجود آورد.
- جنگ به روایت تصویر
- شعر جنگ
- شلمچه شعر سروده است

- این سبز سرخ کیست؟
- طنین بانگ خدا
- ارزیابی موقعیت سیاسی ایران
- به دنبال جنگ تحمیلی
- جنگ و گروههای سیاسی



بمناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی به ایران اسلامی

با صدام کافر می جنگیم و مصالحه نخواهیم کرد

«امام خمینی»

فرمانده نیروی زمینی ارتش

جنگ انگیزه

این بود که انگیزه عقوبت جنگیدن را در پرسنل ما بوجود آورد امروز پرسنل ما شهادت تاریخ و خون شهید عزیز این مطلب را که به خدمانی جنگند تأیید می‌کند وقتی هم که تلفیق شدند ملت‌مان این تضمینی هست از جهت که منحرف نمی‌شوند ایجاد واحدهای جدید

سرویس جنگ: در آستانه پایان دومین سال جنگ تحمیلی خبرنگار ما با برادر سرهنگ صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی پیرامون تأثیر جنگ در ابعاد گوناگون، تداوم جنگ، چگونگی تهیه و ساخت تجهیزات جنگی و... مصاحبه‌ای انجام داده است که ذیلاً از نظر آن می‌گذرد.

س- تأثیر جنگ تحمیلی در ابعاد، معنوی، توان رزمی، ایجاد واحدها و لشکرهای جدید، بالابردن اطلاعات نظامی، بکارگیری ادوات جنگی و ساخت لوازم و تجهیزات جدید در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟

ج- اگر ما جنگ را بعنوان یک نعمت تلقی کنیم که این نعمت موجب گشته است که عقیده و ایمان و اعتقاد ما را نسبت به اسلام و جمهوری اسلامی و دستاوردهایی که به خون پسر برکت شهدا به ارمغان آورده اولین اثرش اینست که انگیزه عقیدتی جنگیدن را در ارتش ما بوجود آورده است ارتش ما دکتربیش این نبود که الان هست دکتربیش اینست که ما روی استراتژی‌هایی بود که پاسخگوی جهان‌خواران بود و همانطور که در خاطر داریم ایران را با شعار زاندارم منطقه می‌خواستند بزرگش کنند و وقتی که انقلاب بمرسد و ارتش ما وابسته شد به ملت و بعد، ارتش جمهوری اسلامی نام گرفت در آن موقع هنوز هم محتوی پیدانکرده بود با این اسم جدید تا اینکه جنگ ضدانقلاب داخلی و بدمم جنگ تحمیلی بوجود آمد و بهترین اثری که جنگ بر ارتش گذاشت

تأثیر دیگر جنگ توابع رزمی است و اکنون توابع رزمی ما حقیقتی است چرا پرسنل ما آبدیده شد رزمیدن و آنچه که به تئوری می‌آموختند در عمل کاملاً بصورت تسلط در آوردند ما متناسب نیازی داشتیم یگانهای زیاده سازمان دادیم و به نیروی زه اضافه کردیم و آنهم بخاطر این بود که در کمیت نیروی ساز یافته بوجود آمد و بهرور زه بوسیله مراکز آموزشی و پرس که مزایا داشتند از جاهای اینها را تبدیل کردیم به یگان جدیدی که یگانهای جدیداً در صحنه حضور دارند که استعدادشان در محدوده حفاظت نیروی زمینی است.

اطلاعات و دانش نظامی هم‌چنین اطلاعات و دانش نظامی کلا بصورت نوینی تبدیل کرده و آن تاکتیکی‌ها را برای صحنه رزم خوانده بود شیوه اسلامی جنگ تغییر کرده است که این تغییر بهرورزمان بصورت مدار آئین‌نامه‌هایی در مدارس آموزش داده می‌شود این چهره مینای همان انگیزه عقوبت



جنگ و گروه‌های سیاسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد به وجود آمدن و اعلام موجودیت گروه‌های رنگارنگ سیاسی، نظامی در ایران بوده‌ایم. این نکته از ابتدا آشکار بود که تلاش‌های گسترده‌ای برای نابودی، انحراف و یا دست‌کم مهار کردن انقلاب، خواه به طور علنی و خواه پنهان صورت می‌گیرد.

از یک دیدگاه می‌توان گفت وظیفه گروه‌های سیاسی و تبلیغات گسترده برای ایجاد جو مسموم در جامعه، برای ایجاد کندی و انحراف در نهضت اسلامی و یادست‌کم تحت کنترل در آوردن حرکت توفنده انقلاب بوده است. اگر نگاهی گذرا به دوران گذشته داشته باشیم و بنا بر حرکتی سریع در لابلای حوادث دوران ۳ سال و نیمه این انقلاب، تلاش کنیم تا علل و عوامل ظهور و بروز این حوادث را جویا شویم، شاید بسیاری از حوادث امروز نیز برای ما قابل تحلیل باشد.

بسیاری از گروه‌های سیاسی پس از انقلاب، اگر چه ظاهراً در جهت سیاسی کلی جمهوری اسلامی در حرکت بودند و یا وانمود میکردند که بان ضدیت بنیادی ندارند، لکن در عمل مشخص گردید که این ادعاها تاجه حد مرموزانه و برای زمینه‌سازی به منظور بهره‌برداری از شرایط اجتماعی حاضر صورت گرفته است.

لکن به نظر میرسد که گروه‌های سیاسی در یک بررسی اجمالی دریافتند که با مرور زمان و افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی توده‌های محروم و همچنین در کوران حوادث سرریزی که هر لحظه اتفاق می‌افتد، آنها بایستی صریحاً موضع‌گیری کنند. لکن در پیش گرفتن مواضع مبهم و در عین حال باظاهری مترقیانه که بتواند بر اهداف درازمدت آنان سرپوش‌گذاشته و جاذبیت نیز داشته باشد، نه تنها مشکل بلکه غیرممکن است.

بروز انشعابات سریع و تغییر مواضع احزاب و گروه‌های رنگارنگ در صحنه سیاسی ایران پس از انقلاب، یکی از مشخصات بی‌ریبگی این گروه‌ها می‌تواند تلقی گردد. آنها در لحظه بروز حوادث از آنجا که نقشی در بوجود آوردن حرکات ناب سیاسی نداشته‌اند و حتی از درک خواسته‌های مردم نیز عاجز بوده‌اند، هیچگاه نتوانستند تحلیل درستی از حوادث ارائه کنند.

طبیعی است از گروه‌هایی که برای دستیابی به اهداف خود حتی حاضر به آتش زدن خرم‌نها و حاصل یک سال زحمت روستائیان باشند، نمیتوان انتظار داشت که از حرکتهای مردمی تحلیل قابل قبولی به دست دهند. اما این تمامی قضیه نیست. این در صورتی است که ما واقعاً معتقد باشیم که گروه‌های سیاسی، انحرافشان ناشی از «ضعف تشخیصی» و «اشتباه در برداشت‌های سیاسی» از حرکتهای جامعه است. ولی آیا بادر نظر گرفتن حوادث و جریان‌ها سه ساله گذشته میتوان این چنین خوش بینانه به قضایا برخورد کرد؟

ناکامی حرکتهای داخلی

حقیقت این است که حوادث تلخی که گروه‌های سیاسی

در سه ساله گذشته بوجود آورده‌اند جای هیچگونه تردیدی برای رد قاطعانه اینگونه اظهارات و از میان بردن زمینه‌های خوش‌بینی باقی نگذاشته‌اند و نشان داده‌اند که در جهت اجرای سیاست‌های خارجی عمل می‌کنند و در این میان به آلت فعلی بی‌اراده‌ای تبدیل شده‌اند.

اکنون بایستی با دقت بیشتر به ریشه‌یابی حوادث گذشته پرداخت و در این رهگذر، شروع جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران را میتوان اینگونه تعبیر کرد که ناکامی گروه‌های سیاسی در جهت براندازی، ایجاد انحراف و یا دست‌کم تلاش در زمینه مهار کردن حرکت عظیم انقلاب، دخالت مستقیم یک عامل خارجی به صورت اجتناب‌ناپذیری، ضروری و بلکه حیاتی جلوه‌گر می‌ساخت. چرا که این گونه حرکتهای داخلی حتی در بهترین شرایط ممکن نتوانسته بودند انقلاب را از حرکت و پویایی بازدارند.

عامل دیگری که باعث می‌شود که همدستی و همدستان‌ی گروه‌های داخلی با سیاست‌های خارجی را بعنوان یک حقیقت مسلم به نمایش بگذارد، تلاش گروه‌های سیاسی در جهت ایجاد اختلال در زمینه دفاع، بسیج و کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ بوده است.

در غیر این صورت اسلحه دزدی عوامل گروه‌ها در جبهه‌های جنگ، ایجاد زمینه‌های مخالف‌خوانی و تلاش برای درهم کوبیدن روحیه رزمندگان و ایجاد ستادهای تبلیغاتی در پشت جبهه که هدف آنها بازداشتن مردم از کمک به جبهه‌ها و سرازیر شدن نیروهای مردمی به صحنه جنگ بوده است، چگونه قابل توجیه است؟

به این مجموعه بایستی موارد متعدد جاسوسی عوامل گروه‌ها برای دشمن متجاوز، ترور سربازان و بسیجی‌های از جبهه برگشته توسط گروه‌ها و تبلیغات مسمومی که عمدتاً در جهت بازداشتن مردم از مقاومت صورت می‌گرفت، افزوده شود. جنگ به طور طبیعی ضایعات، نابسامانی و کمبودهایی را به همراه دارد لکن تلاش عوامل گروه‌ها در ایجاد کمبودهای مصنوعی و دامن زدن به مشکلات جنگ و تلاش برای جلوگیری از شکل گرفتن یک حرکت سازمان یافته برای مقابله با مشکلات جنگ را بایستی از مهمترین ویژگی‌های عملکرد گروه‌های وابسته سیاسی در تاریخ ۳ ساله پس از انقلاب به حساب آورد.

در یک نگاه گروه‌ها از هیچ کوششی برای مشغول کردن دولت و مردم به مشکلات روزمره و بهره‌برداری از این موقعیت فروگذار نکرده بودند.

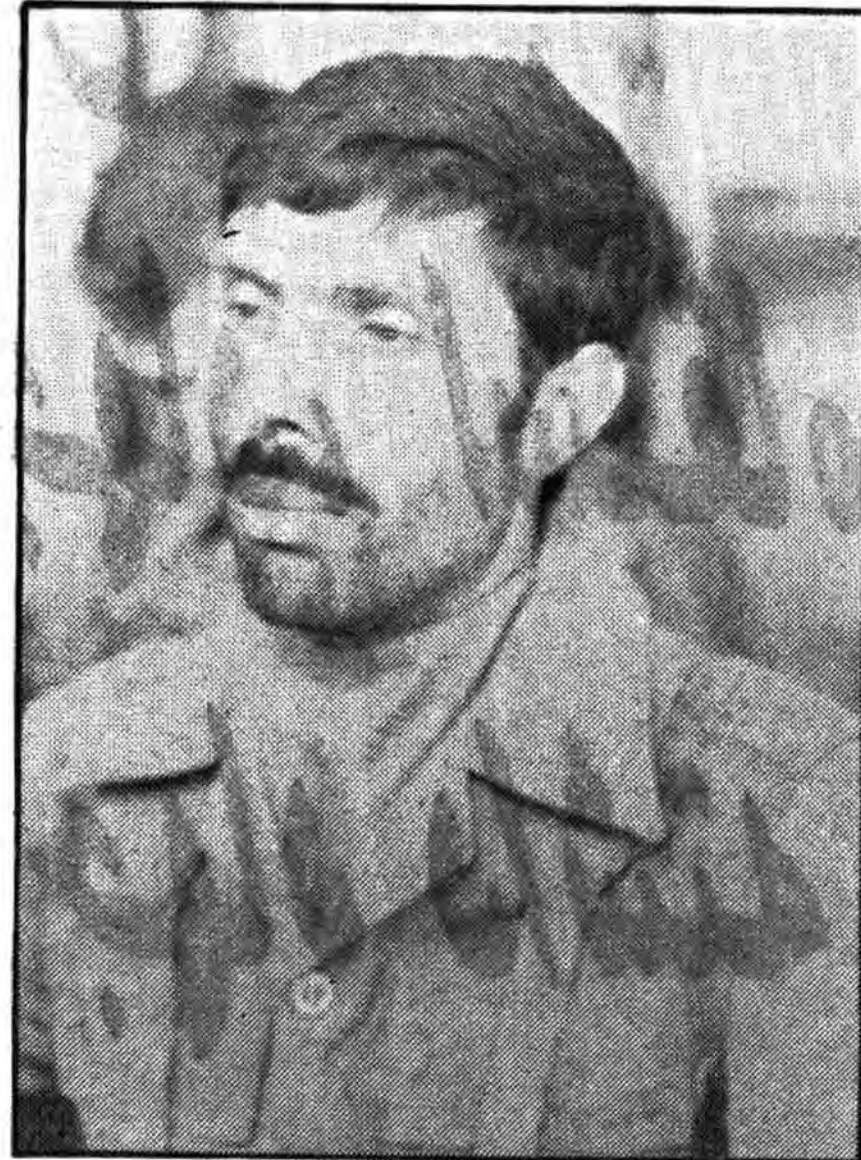
در تاریخ سیاسی جهان هرگز دیده نشده است که ملتی بتواند در برابر مشکلات روزمره اینگونه به تنهایی مقاومت کند و قریب دو سال با تمامی مصائب و ناراحتی‌ها دست و پنجه نرم کند ولکن از اصول و مواضع خود قدمی به عقب نگذارد. جنگ در فرهنگ ملتها و ازهای است که به عنوان یک «عامل منفی» ارزیابی میشود، لکن این ملت محتوای واژه‌ها را نیز دگرگون ساخته و به گونه‌ای عمل کرده است که در فرهنگش جنگ به معنی حماسه و پیروزی است. فرهنگی که مسلماً گروه‌های وابسته قادر به درک آن نیستند.

والسلام



جمهوری اسلامی ایران از تاثیر جنگ در ارتش سخن میگوید

قیدتی جنگیدن را در ارتش بوجود آورد



نشان داد که اولاً به اتکاء به تجهیزات و مدرن‌تان ما نمی‌توانیم حساب و توان خودمان را با توان بن مقایسه بکنیم و اینرا اصلی پیروزی قلمداد بکنیم ادوات و وسایل و امکانات شاید بر مبنای همان توجه زان و اعدو الهام ما مستطعمتیم و ما بعنوان نعمتی نیم که خداوند بپادشاه و ان اسباب کار جدا کتر ده را می‌کنیم و مطمئنیم کمبودهای ما بسوسله دهای غیبی خدا مرتفع ود ولی همین جنگی که دآمد به نیروهای مسلح ما الهام را داد که هر چه بوانند از امکانات بیشتر رداری بکنند مخصوصاً از جنگی که از دشمن بدست

ریم. نانک و توپ و وسائل جنگی دشمن ما گرفتاریم جزو ات رزمی رزمندگان اسلام حنه نبرد بصورت کامل برده میشوند این جنگ و فاش و طولانی بودنش ب شد که استعدادهای ن شکوفا بشود و متناسب با ای جنگی ما جوانان، آن ما شروع کنند به ساختن بزارت و وسایل رزمی که ز شاید بدلیل بعضی از ل حفاظتی مقداری از این رفقا قابل بیان و تشریح ن ولی در بسیاری از زمینهها استفاده از کارخانجات و ات و وسایل موجود مملکت بتند دست به یک ابتکاری و وسایل و ادوات جدیدی بزند که میتوان در صحنه رد و بعضیها در خطهای دهستان و بسیاری هم در تکمیل و آزمایش است و این سرات جنگ هست و بخواهیم مقایسه‌های داشته م بین نیروهای رزمنده یا بلاتی رزمی که الان داریم یا شته که در ارتش جنگ چه اتی کرده نیاز به تحقیق رجامی است و اگر بخواهیم نمای اعم تلقی بکنیم دیگر از مقایسه رزمندگان اسلام بهریم که امروز فقط ارتش وری اسلامی در صحنه نبرد بت بلکه امروز ارتش ۲۰ ون نفری دارد شکل میگیرد پاه پاسداران انقلاب اسلامی ول هدایت و سازماندهی و وزش اینهاست البته در نگارهای جنگی و همکاری ارضیمانهای در یک وسعت بین ارتش و سپاه پاسداران اب اسلامی است که در این به کیفیت رزمی به معنای اعم ی بالاست و نیاز به تحقیق دارد که چقدر قدرتمند شده معنای اخص اگر بخواهیم به ش اختصاص دهیم امروز ن ما بصورت کیفی قدرت سایش خیلی بالاتر رفته و از کسی که نیروی انسانی آن مدله زیاد شده ولی از نظر به و تجهیزات چون نیاز به ک تجدیدنظر در سیستم بزارت و امکاناتش میباشد ن در حال بررسی است که اما... متناسب با آن طرحی بخواهد پیشنهاد بشود حی خواهد بود که ارتش ما را هز کند به جنگ افزارها و هیزاتی که بتواند جوابگوی

- * ما متناسب نیازی که داشتیم یکنانهای زیادی را سازمان دادیم.
- * در اثر جنگ تاکتیکی که خوانده بودیم به شیوه اسلامی جنگیدن تغییر کرده است
- * شیوه اسلامی جنگیدن بمرور زمان به صورت آئین نامه در مدارس جنگ آموزش داده میشود
- * جنگ به نیروهای ما این الهام را داد که هر چه بیشتر از امکانات بهره برداری کنند.
- * طولانی بودن جنگ موجب شکوفائی استعدادهای زیادی شد
- * شکوفائی استعدادها در اثر طولانی شدن جنگ موجب شد وسائل و ادوات جدیدی ساخته شود که هم در صحنه جنگ از آنها استفاده گردد و هم در خط تولید قرار گیرند.

جذب نیروهای فعال خلاق دارید؟

بله چند روز پیش نمایشگاهی داشتیم در فرماندهی لجستیک این نمایشگاه کارهای افراد را نشان داده کارهای بسیار زیادی انجام شده در بازدیدی که از این نمایشگاه داشتیم به طرحهایشان توجه کردیم و پشتیبانی خودمان را برای ادامه کارشان اعلام کردیم که هر چه بخواهند برای کارشان ما کمک میکنیم.

س- علل تشکیل قسار گاههای گریلا، نجف و حمزه سیدالشهداء چیست و دائر کردن آنها چه تاثیری در عملیات رزمی میگنار؟ اگر یک گذری به آنچه که تا به حال در صحنههای نبرد جنگ ضد انقلاب و این جنگ تحمیلی انجام شده بباندازیم گذشته یاد آوری میکند که نقش بزرگی همیشه در صحنه نبرد بوده است. این نقش در این بود که هیچ مرکزیت و کانونی برای هماهنگی نیروهای رزمنده نبود پیوند اینها و آن ترکیب مشخص وجود نداشت تا اینکه بنی صدر و آن عوامل دست نشاندهاش همه اینها وقتی سرنگون شدند یک فرجی شد و آن موقع موانع موجود کلا از بین رفت و با آن اشتیاق و عطشی که نیروهای رزمنده نسبت به یکدیگر داشتند و عامل وحدت که بین مستولین ارتش و سپاه به وجود آمد اینها خیلی زود به هم جذب شدند و از عملیات طریق القدس به بعد ما این پیوند را و همکاری را در بین نیروهای رزمندگان بیشتر و تکامل یافته تر دیدیم و وقتی که این زمینههای وحدت بیشتر شد لا: م بود قرار گاههایی که ما تشکیل میدهم قسار گاههایی باشد که برای نیروهای رزمنده رسمیت بیشتر داشته باشد و اسمها هم با مسمی باشد قرار گاه

وسایلی که داشتیم هر کدامشان برای شروع کار در جهت خود کفائی خوب است اصلا در وزارت دفاع کار خانجانی ما داریم که خیلی تولید احتیاجات ما را امکان پذیر نموده است بنابراین ما اگر گفتیم نه شرقی و نه غربی یک شعار نیست بلکه حقیقت است برای جمهوری اسلامی و مادر مقابله با توطئه و

قبل داشتیم ولی چون سیستم اقتصاد ما بعلت وابستگی به شرق و غرب سیستم تک محصولی بود و چون در زمان گذشته احساس نمیشد که هیچوقت نیاز به این باشد که خودمان صاحب کار تولیدی بشویم ولی از زمانیکه نه شرقی و نه غربی را گفتیم و اینکه عملا هم دشمنان اسلام ما را محدود کردند و محاصره

بهترین منبع تغذیه ماهمان نیروئی است که با ما میجنگد

چون تلاشها در زمینههای مختلف انجام میگردد که ما به حد خود کفایی برسیم و میرسیم ضمن اینکه با هر جا بجنگیم در

ماموریتش باشد که این دائماً در حال تحول است و بصورت ثابت نیست ولی در مجموع نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی که الان ما داریم با نیروی زمینی قبل از انقلاب خیلی فرق میکند و نیز با نیروی زمینی قبل از جنگ خیلی فرق میکند و در جهت مثبت این تفاوت واقعاً چشمگیر است که بررسی آن لازم به تحقیق است.

رسالت رزمی و جنگی ما تا انقلاب مهدی(عج) ادامه دارد

س- تداوم جنگ را با توجه به قطع روابط ما با امریالیسم آمریکا و وابسته بودن سیستم لجستیک ما چگونه میبینید؟ ج- جنگ ما جنگی نیست که انتهای الان مشخص شود ممکن است ما در مراحل مختلف به انتهای از جنگ برسیم مثل جنگ تحمیلی که انشاه... بزودی به پیروزی نهایی خواهیم رسید ولی پایان هر پیروزی ما آغاز جنگهای دیگر هست که نشانگر رسالت رزمی و جنگی ما در بعد معنوی عقیده ادامه دارد تا روزی که به انقلاب مهدی(عج) راه بیافتد. با این برنامه ما تمام آمادگی و تلاشمان، تمام برنامه ریزیمان طوری است که بتوانیم این رسالتمان را بخوبی انجام بدهیم و از نظروابستگی به شرق و غرب از نظر سیستم تکنولوژی که در ارتش داریم خوب این یک چیزی مشخص است که تجهیزات ما ما داریم اینها همه مربوط به شرق و غرب بوده ولی مدت زمانی که میتوانیم از اینها استفاده کنیم اینقدر طول می کشد که در حال عدم وابستگی بتوانیم به جنگ ادامه دهیم و اینکه اگر وابسته نیستیم جلویمان را برای ادامه جنگ نگیرد و امیدواریم با پیشرفتهایی که میکنیم بتوانیم امکاناتمان را خودمان فراهم کنیم و در این امر خود کفا بشویم یعنی در نهایت ما برای تداوم جنگ در راه خدا احساس میکنیم هیچ کمبود نخواهیم داشت.



گریلا در جنوب مرکز عملیات مشترک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب گردید البته وقتی ارتش میگوئیم شامل تمام نیروهای داوطلب شبه نظامی مثل ژاندارمری، شهربانی، نیروی دریایی و هوایی و زمینی می شود. هم چنین نظیر این قرار گاه را لازم دیدیم که در غرب به وجود بیاوریم به نام قرار گاه نجف که به زودی انشاء الله محصولش به صورت عمل پیروزمندانه دیده خواهد شد و برای ریشه کن کردن ضد انقلاب در شمال غرب کشور که در استانهای کردستان و آذربایجان

دسیسههای دشمن به یک حالت جدی رسیدیم که این رشد را برایش سپاه بسدیم و الان الحمدالله هم در وزارت دفاع و هم در قسمتهای تحقیقی سپاه و هم در خود نیروهای سه گانه ارتش به اندازه خودشان هر کدام مشغول جذب و شناختن نیروهای متعهد و خلاق هستند که بعداً امکانات به آنها داده شود بنابراین امکانات و وسائل که در دست دولت جمهوری اسلامی هست خودش مایه خوبی است برای سرعت بخشیدن به امر تولیدی و صنعتی که در جنگ ما لازم داریم س- آیا برنامه‌های برای

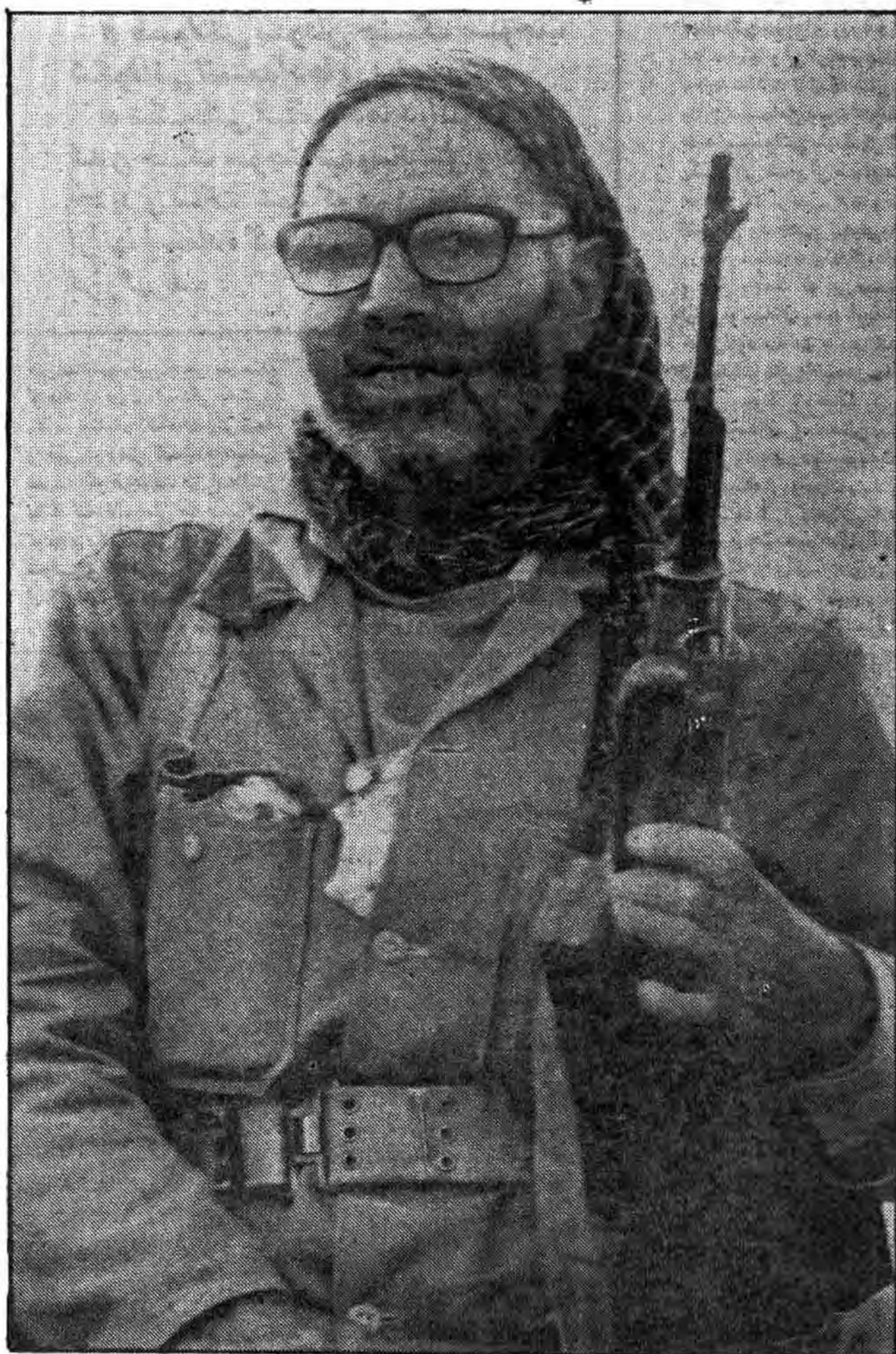
کردند از نظر اقتصادی خود بخود معلوم شد که ما باید روی پای خود بایستیم و با وجود بودن جنگ این نیاز مندی بیشتر شد ما امروز میبینیم که جوانان نابغه و محقق ما میجوهند البته یک نقص داریم که هنوز این جوشها را نتوانستیم هدایت بکنیم ولی آنچه که مسلم است ما تا آنجا که دیدیم تیمهایی بر روی بعضی طرحها و پروژهها کار میکنند خیلی امید بما دادند مخصوصاً در بعضی مورد ها این امیداها بثمر رسیده است و اکنون از آنها استفاده میشود ولی در زمینههایی که از قبل بوده مانند کارخانجاتی که از قبل داشتیم و

قدمهای اول بهترین تغذیه ما خودمان نیروهائی است که با ما میجنگند یعنی غنایمی که بدست میآوریم و بسلافاصله کاربرد دارند ولی با وجود این ما باز هم به اینها متکی نیستیم ما خود کفائی میاندیشیم و زمان کار برد امکانات موجود آنقدر هست که تا خود کفا شدن ما بطور کامل بتواند جوابگوی تداوم عملیات باشد. س- چه اقداماتی برای ساخت و یا تهیه لوازم ادوات سنگین و تجهیزات پیچیده انجام شده است؟ ما کلا برای ادوات سنگین و تجهیزات سنگین و سبک هر کدام یک زمینه‌هایی از

آدامه دارد

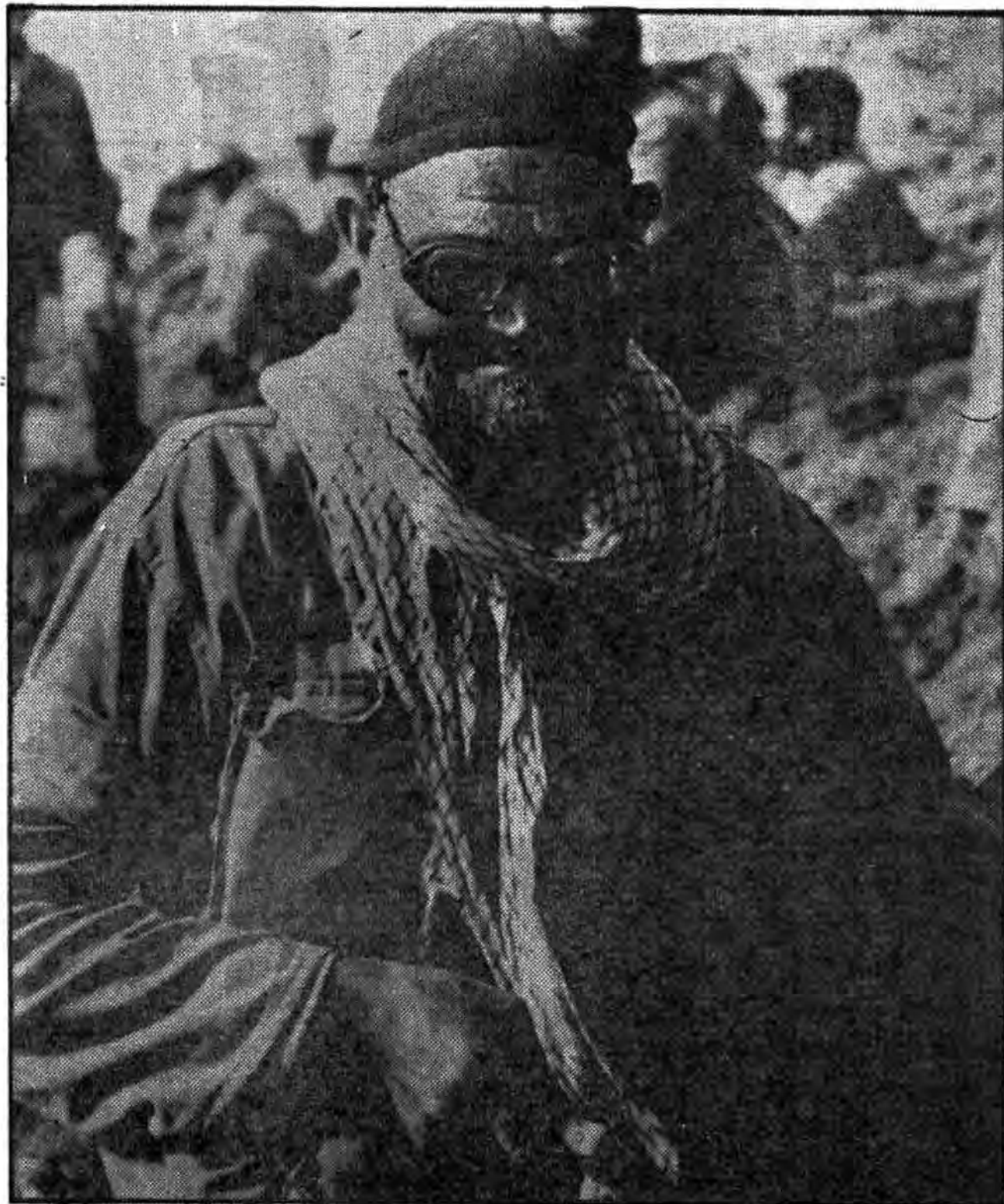
این ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد.

امام خمینی



۱- سلام را به «آقا» برسانید. بگوئید که از انفس قدسیه اوست که ما برخاسته‌ایم. هر جا که او باشد با اوئیم. بگوئید: انی سلم لمن سالمکم و حدب لمن حایکم.

۲- مهم نیست که گرد ایام بر سر و رویم نشسته است. مهم نیست که چون جوانان نمی‌توانم بجنگم. هرگز! مهم اینست عاقبت آن ماست با عالمی از افتخار و سربلندی.



۴- ما از این چرخ کهن گرچه بسی پیرتریم
همچنان از مدد عشق جوانیم هنوز



۳- پیرمرد روستایی با لباس فقیرانه و مندرس خود با عالمی
از جسارت و شجاعت. در قلب پاک و بزرگوارش چیست الا حب الهی.



اینجا تاریخ است. و آنکه به قسامت سرو ایستاده حبیب بن مظاهر. آنسوی دیگر اصحاب حسین آنسوی تر صحرای کربلا. مگر نه که هر روز
عاشورا است؟ و هر زمین کربلا؟

باشد قابل قیاس نیست..... به اینجا که انسان می‌رسد باید معیاره گذشته را دور بریزد و با معیارهای تازه اندازه‌گیری کند با معیاره گذشته چگونه می‌توان این کلام را از زبان کسی که همسرش به جبهه است فهمید؟

من شکر گزار دشمن خویشم

زیرا مرا به مقصد معبود می‌برد

جنگ نه تنها ارزشهای تازه می‌آفریند که در مفاهیم و مصادیق و واژه نیز دست می‌برد

در وصف تو واژه واژگون می‌باید

در عشق تو عقل کوفت چون می‌باید

بس خامه شکست و بس مرکب خشکید

توصیف ترا خامه زخون می‌باید (۶)

تاملی کنید بر روی واژه‌هایی که بعد از جنگ در اشعار پدید آمده واژه‌ها انگار بوی خون و آتش و درد می‌دهند واژه‌ها انگار ایناروشاهت دارند.

در جنگ به همان میزان که خشم و نفرت و کینه اوج می‌گیرد م لطف و عاطفه رشد می‌کند به همان نسبت که شجاعت و شهامت به می‌گیرد احساسات تلطیف می‌شود.

هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد- اما این ابتدای سبزی او بود ادبیات جنگ ضرورتاً با آنچه قبل از او بوده است قطع رابطه نمی‌کند

گاه در میان ظروف، مصادیق و تعابیر تازه‌ای جایگزین می‌کند

گفتم که دلت گفت لبالب ز امید

گفتم سخنت گفت شعار توحید

گفتم به چه ره بایدمان رفتن گفت

آن را که می‌روند یاران شهید (۸)

جنگ و شکوفائی

یکی از خیرات متعدد و اعجاب‌آور جنگ شکوفائی استعدادهای نهفته باروری دانمهای در خاک خفته است. جنگ به خودی خود شاعر می‌آفریند همچنانکه شعر خلق می‌کند.

پاسداری که فراز و نشیب احساسات لطیف عارفانه را لمس می‌کند سنگها و موانع متعدد را از چشمه استعدادهای خداداد کنار می‌زند تا به فطری‌ترین و الهی‌ترین شعر مجال بروز می‌دهد. سربازی که در شب و در یک زمان کوتاه با زیباترین ارزش دنیای خود مواجه می‌شود طبیعی است که موفق به کشف زوایای ناشناخته وجود خویش گردد

ظهور و بروز این استعدادها را امکان دهد. تک تک لحظه‌های عارفانه ج شمس‌هایی را می‌مانند که آتش در خرمن هستی مولوی‌ها و مولاهای می‌اندازند.

نه، در کجا هستم من؟ اگر دیدار جلال‌الدین بلخی نامی با عا گمنام اینچنین غوغا بیافریند دیدار امام‌زمان ارواحنا لمقدمه السفا عاشقان و دل‌سوختگان خویش چه می‌کند؟ اگر این دیدار با خدا صورت بندد چگونه حال اگر نباشد قلمی و کاغذی که این پروانگان از را که گذشته است ثبت کنند. به ای نحو شعر بوقوع پیوسته است. ش جاری شده است. چرا که هر گام آنها. هر ماشه چکاندن آنها، هر کلام سلوک آنها جذبه آنها، شهرد آنها و حتی تنفس آنها شعری به سه معنای کلمه است.

و در زمان جنگ شعر اینگونه خلق می‌شود و شاعر اینگونه متولد. وقتی پاسداری در جبهه زمان کوتاهی را که برای نوشتن نامهای است و کاغذ و قلمی و وسیله‌ای برای رساندن، از همه اینها در جهت اشعرش برای من و شما استفاده می‌کند و نه ایجاد ارتباط با خانواده حتی- شاعر متولد می‌شود.

از کلام پاسداری که شب قبل شاهد قطره قطره تمام شدن به مجروحش در سنگر بوده و رخصت تکان خورده هم نداشته است شعر می‌شود. فریادی که از پس آن سکوت ناگزیر به بیرون می‌ریزد و معاصر ما تلقی می‌گردد.

البته ممکن است من هم سری به جبهه بزنم و شعری بسرایم و در اسمم حتماً بنویسم «دزفول- خرداد ۶۰» یا «اهواز- اردیبهشت ۶۱» و سوسنگرد- مرداد ۶۱ اما سرنوشت شعر ما را شاعری قلم خواهد زد در التهاب و جیب‌بویب خاک خونین شهر زندگی کرده و شاید او شعرش را در خونین شهر یا بستان و شلمچه سروده است.

بنابراین جنگ نه تنها شعری است و راست و فاسد را دور می‌ریزد تنها به شاعری بها می‌دهد که با او در تمام لحظات حضور داشته با

غریبال جنگ

وقتی که جنگ در گرفته است برای مردمی که مبتلا به آن هستند همسری، پسری برادری و به نحوی دلی در جبهه دارند هر حرف و آ غیر از جنگ عبث، بیهوده و بی‌ربط می‌نماید و طبیعتاً که از جنگ کسی باید بگوید که اگر نه ترکش خمپاره در جانش که آن در گوشش نشسته باشد. و اگر نه خون تازه را از سینه خودش پیشانی برادرش سترده باشد برای مردم معاصر جنگ کلام و شعر در جبهه در آن نباشد در سنگر عشق در زیر آوار در اوج گرما و ح سرما سروده نشده باشد. درد آور است. برای مردم درگیر جنگ فر که سرخ نباشد بی‌رنگ است. برای مردم مبتلا به جنگ دستی که نه نباشد علیل است مردم درگیر جنگ شاعری را می‌پذیرند که مثل پس در جبهه باشد در گریودار ستیز. و چرا خود پسرشان نباشد چه کسی از او جنگ را و زندگانی را لمس کرده است.

شاعری که هنوز در نظام جمهوری اسلامی از تریاک و مشروب نمی‌کشد می‌تواند برای او شعر جنگ بگوید؟ شاعری که در اشتیاق نصب پرچم ایران در کنار پرچم ش می‌سوزد - می‌تواند خون آزادی جوانش را معنی کند؟ شاعری که خیلی به خودش فشار بیاورد نهایت مستلغاش وطن می‌تواند مفهوم لقا... را بفهمد؟

شاعری که پا از حصار مادیت بیرون نمی‌نهد روح حاکم بر جبه می‌تواند تصویر کند؟ اینست که در این برهه از زمان خود بخود شعرائی حذف و طی م باشکوهی به زباله‌دانی اعزام می‌شوند و در عوض همچنانکه گف شعرائی مؤمن، متعهد، تازمنش و درد آشنا به میدان می‌آیند.

پاورقی

۱- اسماعیل شاهرودی
۲- محمدی نیکو
۳- م- امیر
۴- میرشاک
۵- فریدون مشیری
۶- و ۷- قیصر امین‌پور
۸- حسن حسینی

شلمچه شعر سروده است

جنگ بخودی خود شاعر می‌آفریند
همچنانکه شعر خلق میکند

بر آب
آب
آب...
آب آبی باران
آب
آب
آب
آب آبی باران بریز باز
باز
باز...
باز هم (۱)

جوانی پخته تراز پیرانی از این دست از گرد راه می‌رسد و فریاد می‌کشد:

بشکست ز یاد شعری قامت گل
غنمناک شد از شبنم خون ساحت گل
شستند به خون جامه و گلبرگ تنش
تکمیل شود تا به شعر طاعت گل (۲)

که هر میزان و معیار صحیحی در کار باشد و هر عقل سلیمی به قضاوت بنشیند تفاوتها را فهم خواهد کرد.

کدام جامعه و مردمی را میتوان سراغ کرد که در اندک مدتی شعرشان از ابتدای «من هر کجا که بخوام دست می‌برم» (۳) تا اوج «بیا از شهیدان برسیم رسم سفر را» (۴) عروج کرده باشد.

و بعد از نعمت عظیم انقلاب نعمت جنگ است که چنین اجاز می‌آفریند. دره شاعر آمیخته با جنگ با دره شاعری که مستلغاش هو گسرتیم کند یاری

در آغوش تو...
... ای السوس (۵)



شعر و جنگ در نیم نگاه

پسپاالله الرحمن الرحيم

محال است که آنچه امام حفظه الله فرموده‌اند همگی و از تمامی ابعاد در همین محدوده زمانی فهم و درک شود. شاید که نسل آتیه به درایت و فراست خویش این مجال را بیابد که در حد ظرفیتش به تعبیر و تاویل ابعاد گسترده سخنان امام بنشیند. لیکن ما را در این مقاله سر آنست که جرعی از پهر را مزمه کنیم و مشتق از خروار را بر دیده نهم.

این کلام معروف امام که «جنگ برای ما نعمت است» ابعاد عظیم و متفاوت دارد که شرح و بسط آن مستلزم کتابهای متعددی از دیدگاههای مختلف است و ما در اینجا از روزنمای کوچک «تحت عنوان» «تأثیر جنگ بر شعر» به خورشید این کلام نظر می‌کنیم به امید آنکه دیگران آنقدر روزنها بگشایند که قدر خورشید بیش از پیش دانسته شود.

در کلاس درس شاگردی را دیدم که قلمش را در پوکه فشنگ جا داده بود و می‌نوشت در جواب سوال من گفت: میخواهم هر لحظه پادم باشد که جنگ است. با خود گفتم جنگی که بر جسم قلم اینگونه تأثیر بگذارد روح قلم را متغییر نخواهد کرد؟ زبان قلم را دیگرگون نخواهد ساخت؟ همین خط را پیش گرفتیم و تاملی بیشتر کردم به اینجا رسیدم که آنچه را که حتی انقلاب نتوانسته است. جنگ انجام داده است. انگار خدا اراده کرده است که این جامعه را در سرهمترین زمان ممکن متحول سازد.

در جامعه‌ای که شعر شاعر شهرش بدینجا رسیده بود که:

این

سبز سرخ

کیست؟

به برادرم، رحمان عطوان

این سبز سرخ کیست؟
این سرو سبز را زچه در خاک میکنید؟
این سبز سرخ چیست چه میکارید؟
این زن که بود

که بانگ «خونگریو» محلی را ۱
از یاد برده بود؟
کل» میزد و سرود شغف میخواند ۲
بن مادر که بود که میخندید؟
فتی که لحظه، لحظه رفتن بود
ن سبز، با سخاوت خورشید
بخشید هر چه داشت
بز آن لباس سبز سپاهی را ۳
نقش آن کلام خدایی را
نقش کلام «لا»

هتوشه شهید همین بس!
یک جامه، یک کلام
تصویری از امام

.....
و را چنان که خواست
آن لباس سبز بکارید
با آن لباس «لا»
بسل و کفن ندارد این سبز سرخ ما
و را چنان که خواست
آن لباس سبز بکارید
چون همیشه سبز بماند
چون همیشه سبز بخواند

.....
و را
فتی که کاشتند

هم سبز بود هم سرخ
گاه

ن یار بیقرار
آرام در حضور خدا آسود
برچند سرخ سرخ بخاک افتاد
با

این ابتدای سبزی او بود!

دزفول - قیصر امین پور

- خوانگریو: مرکب از دو کلمه «خواندن» و «گریستن» ابیاتی که زنان
نلی در عزاداری میخوانند و میگیرند
- کل زدن: کلی ای... که زنان در مراسم عروسی میخوانند.
- شهید وقتی میخواست حمله را بیافزاید هر چه داشت به رسم یادبود به
ستانش بخشید بجز آرم لباس سپاه و تصویر کوچکی از امام، نیز وصیت
ده بود که او را با همان لباس بخاک سپارند.

طنین

بانگ

خدا

با یاد دانش آموز شهیدم مراد روشنی

چوپیکرش به شط خون طهید یا زهرا
مراد» من به مرادش رسید یا زهرا
اگر ز خویش وز هستی برید دل، نه عجب
طنین بانگ خدا را شنید یا زهرا
دریغ و درد چه گویم ز داغ این شاهد
طلوع صبح صفا را ندید یا زهرا
قسم به خون شهیدان جبهه قرآن
که روز، چادر شب را درید یا زهرا
جنوب کرخه، رقابیه، عین خوش، فکه؟
مراد من بکجا شد شهید یا زهرا
ز خیل عالم خاکی نبود مرغ تنش
بسوی باغ خدا پر کشید یا زهرا
ز خون پاک شهیدان راه آزادی
نسیم عطر خدایی وزید یا زهرا
خبر دهید به یاران آنسوی جبهه
مراد من به مرادش رسید یا زهرا

اندیشک - اکبر بهداروند



ظهور نور

تا قاصد فجر شیوه را دیگر کرد
شب نیز ظهور نور را باور کرد
بیداروشان خفته دل برخیزید!
خورشید سر از زخم شهیدان بر کرد
نفس صبح

با دیو سیاه شب در آویخته ایم
در گام فلق باده خون ریخته ایم
از باد سحر نشان ما را جوئید
ما با نفس صبح در آمیخته ایم

سلوک

من همسفر باد سحر خواهم شد
خاک گذر اهل نظر خواهم شد
در آتش عاشقی بسر خواهم شد
پولادم و آبدیده تر خواهم شد

مرغ سحر

ما مرغ سحرخوان شگفت آواییم
خونین پر و بالیم و شفق سیماییم
در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه
صدبار شکسته ایم و پابر جاثیم
شهید

بنگر به شکوه سوی حق تاختنش
بر قله عشق پرچم افراختنش
فتح است در این معرکه سر دادن او
برد است در این میانه جان باختنش

زخم بزنیید

زخم بزنیید بارور خواهم شد
بالم شکنید بال و پر خواهم شد
خونم بخورید سرخ تر خواهم گشت
حلقم ببرید زنده تر خواهم شد.

حسن حسینی

بسینه ره سپرده ام

(برای شهید اسماعیل دلبر)

شرارهای ز شعرهای شهر عاشقانام
عزیز آدمیتیم به اوج کهکشانام
نوی سرخ زندگی بکام هر جوانام
همای پرگشودام که سر بر آستانام
که داد جایم این قفس که گشته است خانام؟
کجا من آن کبوتر اسیر دام و دانام؟
هواری ستاره ها، گلوله شد ترانام
ز خنجرم بلند شد صلابی جاودانام
زمانه ها، کرانه ها، چو رود بیکرانام
نگنجد این قفس مرا که دائم روانام
به روضه جای من بدی نه ماکیان لانام
فلک بده شهادتی ز ظلم این زمانام
رهم بکوی «دلبر» و بموی اوستا؟ شانام
بسینه ره سپرده ام چه پرسی از نشانام؟

بندر انزلی - ۶۱/۶۳
(م - پاسدار)

از دیدگاه وزیر امور خارجه

ارزیابی موقعیت سیاسی ایران به دنبال جنگ تحمیلی



جمله خلاصه کرد. آنها فکر می‌کردند و امید داشتند که تلاشهای ضدانقلاب داخلی و دشمنان خارجی منجر به سقوط جمهوری اسلامی بشود، بخصوص اینکه جو مسموم تبلیغاتی رسانه‌های گروهی دنیا هم به این باور دامن میزدند، ولی بعد از این جنگ امید آنها مبدل به یاس شد و لذا علی‌رغم میل باطنی‌شان اقرار کردند که حکومت ایران یک حکومت باثبات و پایداری است.

بنابراین میشود چنین بیان کرد که بعد از این جنگ توده‌های مسلمان و مستضعف به جمهوری اسلامی امیدوارتر شده‌اند و روابط دوستانه ما با ما محکم تر شده و کشورهای بی‌تفاوت و رغبت‌بیشتری به ما پیدا کرده‌اند و دشمنان ما از اینکه این حکومت از پای درآید مایوس شده‌اند.

● نقش ایران در اوپک
● نقش ایران در اوپک چگونه بوده و چه تاثیری در قیمت نفت گذاشته است؟
● موضع ایران در اوپک

می‌شمارد. به همین مناسبت پیرامون موقعیت ایران قبل و بعد از جنگ و سیاست خارجی ایران بعد از جنگ و دسایس آمریکا و نقش ایران در اوپک و اثرات تحریم اقتصادی با دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان به گفتگو نشستیم.

● موقعیت و وجهه سیاسی ایران قبل از جنگ و بعد از جنگ در رابطه با کشورهای خارجی را تشریح کنید؟

- بسم الله الرحمن الرحیم
بعد از پیروزی انقلاب موقعیت جمهوری اسلامی ایران در بین ملتها همواره از یک استحکامی برخوردار بوده و این انقلاب در حقیقت تجسم امیدهای مسلمانان و محرومین جوامع بشری است. از ابتدای انقلاب مشهود بود که در حقیقت پیوند ما با قلبهای مسلمین و مستضعفین است و دولت‌ها دوسته بوده و هستند. یکی دولت‌های دوست که همواره روابط خوبی با ما داشتند و دولت‌های غیر دوست و بی‌تفاوت که قبل

گفتگویی اختصاصی با دکتر علی اکبر ولایتی

نشاندن صدام تکریتی است. آمریکا و اذناش امید زیادی به این جنگ بسته و در رؤیای شکست انقلاب بسر می‌بردند بطوری که سه روزه می‌خواستند سرزمین نفت خیز جنوب را غصب کنند ولی از آنجائیکه این انقلاب بر پایه ایمان و اعتقاد استوار است ملت مسلمان ایران با اتکاء به الله تمام سختیها و کمبودها را تحمل و با

حضور مداوم در جبهه و پشت جبهه جلوی این تجاوز آشکار را نیز سد کرد و این جنگی که برای شکست انقلاب به ملت ایران تحمیل شده بود حربای شد علیه تحمیل کنندگان آن و باعث بالا رفتن وجهه سیاسی، نظامی، اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و موجب

کشور تازه انقلاب کردهای که هنوز بدرستی پایه‌های نظام آن استحکام نیافته طالب جنگ نیست ولی از آنجائی که انقلاب ایران بر خلاف سایر انقلابهای دنیا دارای محتوای اسلامی و مردمی و خواهان اجرای کلیه قوانین اسلام در جامعه است ناگزیر چنین انقلابی لطمات زیادی را به استکبار و استعمار جهانی خواهد زد و به کشورهای اسلامی دیگر که زمینه آماده‌ای هم دارند، سرایت خواهد کرد. بنابراین استکبار جهانی با توطئه‌های گوناگون بفرکر سرکوبی این انقلاب افتاد که بحمدالله با رهبری‌های قاطعانه امام امت و هوشیاری ملت مبارز، یکی پس از دیگری نقش بر

● به حکومت‌های منطقه اخطار می‌کنیم که تا دیر نشده دست از حمایت صدام بردارند و به سمت خیر و صلاح ملت خود گام بردارند.
● اساس سیاست خارجی ما ثابت و متکی بر ارزشهای اسلامی است.
● ما حدس می‌زنیم که پس از جنگ آمریکا تلاش کند روابط بعضی از کشورها را با ما تیره نماید و نیز از طریق ته مانده‌های مزدورانش در داخل کشور نظیر منافقین و چپ‌نماها بر علیه ما توطئه کند.
● اگر حکومت‌های منطقه دست از دشمنی با ما برداشته و حاضر شوند بر مبنای منافع اسلام و مسلمین و مبارزه با دشمنان اسلام بخصوص صهیونیسم جنایتکار دست اتحاد و دوستی بطرف ما دراز کنند، ما دست آنها را رد نخواهیم کرد.
● اگر خدای نکرده صدام در این جنگ پیروز میشد، آنروز روز شادمانی اربابانش یعنی آمریکا و ذلت مسلمین و قوت صهیونیسم بود.
● سلاح اصلی ما ایمان بوده و هست.



● ما در مقابل آمریکا و قدرت و ابر قدرت دیگری که چشم طمع در منافع ملت ما دوخته است ایستاده ایم.
● در زمان شاه معدوم کار به جایی رسیده بود که ما فقط گندم یکماه از مصرف سالیانه را میتوانستیم تأمین کنیم، ولی اکنون براحتی میتوان گفت ۱/۱ مصرف داخلی را تأمین می‌کنیم.
● یک نمونه از همکاری شرق و غرب در مواجهه با جمهوری اسلامی کمک‌های هر دو ابر قدرت به حکومت عراق در این جنگ تحمیلی بود.
● نفت باید بطور حساب شده در جهت منافع ملت‌های صاحب نفت و مستضعفین جهان مورد استفاده قرار گیرد.
● موضع ایران در اوپک یک موضع غیر سازشکارانه و بر مبنای استیفای کامل حقوق صاحبان اصلی نفت بوده است.
● اگر حمایت بلوک شرق از رژیم عراق نبود، در اصالت جمهوری اسلامی شک می‌کردیم.

ذخیره بالارزش تمام است که هیچ بدیلی نا بنابراین باید حساب دقیق در جهت منافع ما صاحب نفت و مستضعفین جهان مورد استفاده آید. ادامه د

میخواسته انجام بدهند ایستادگی کرده و در آتیه نیز این چنین خواهد بود زیرا نفت در حال حاضر نیروی محرکه چرخهای اقتصادی و صنعت و تجارت و در نهایت سیاست جهانی است و یک

یک موضع غیر سازشکارانه و بر مبنای استیفای کامل حقوق صاحبان اصلی نفت بوده است و در مقابل هر نوع اقدامی که وابستگان به قدرتهای جهانی در جهت حفظ منافع اربابانشان

و بعد از پیروزی موضع دولت‌های دوست تفاوتی جز در جهت استحکام دوستی نگرفته است. موضع دولت‌های غیر دوست قبل از جنگ و بعد از جنگ در بعضی از موارد تفاوت‌هایی داشته که میشود در چند

امیدواری بیشتر ملل محروم و ستم کشیده جهان نسبت به این انقلاب گردید و در این رابطه است که امام امت این جنگ را از الطاف خفیه الهی

آب میشود. یکی از این توطئه‌ها تحمیل یک جنگ ناخواسته به کشور نوپای جمهوری اسلامی ایران توسط امپریالیسم آمریکا از طریق عامل دست